

بررسی رابطه‌ی بین تمایزیافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران

پرستو اسکیان^۱، فرهاد چنگیزی^۲

مقدمه

یکی از مسایل مهم دوره جوانی، به ویژه سال‌های ورود به دانشگاه تمایزیافتگی یا به عبارتی کسب استقلال عاطفی است. از طرفی فرایند کسب هویت نیز برای نوجوانان یک تکلیف تحولی دوره‌ی جوانی است که فرد باید برای رسیدن به یک تصویر یکپارچه از خود تلاش کند. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی بین تمایزیافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان دانشگاه تهران می‌پردازد.

تمایزیافتگی (*Differentiation of Self*) که مهمترین مفهوم نظریه‌ی سیستم‌های خانواده است و توسط بوین ارایه شده است، میزان توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی خویش از دیگران را نشان می‌دهد. افراد تمایزیافتگی تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیر ارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با درنظرگرفتن عقل و منطق تصمیم گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نایافته که هویت فردی مستقل ندارند، در تنش‌ها و مسایل بین اشخاصی موجود، همراه با جوعاطفی حاکم بر محیط اطرافشان حرکت می‌کنند و در نتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روانشناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (بوین، ۱۹۷۸). در تیوری سیستم‌های خانواده، کلید سلامت روان یک شخص در برخورداری او از هر دو حس تعلق به خانواده و تمایزیافتگی نهفته است (کوری، ۱۹۹۳). از طرفی یکی از تکالیف مهم تحولی انسان، روند شکل گیری هویت است و تکوین هویت موفق با سلامت روانشناختی فرد رابطه‌ی مستقیم دارد (اریکسون، ۱۹۶۸). در راستای تعاریف متفاوت از هویت، بروزونسکی یک دیدگاه شناختی-اجتماعی را ارایه داد که تفاوت فرایندهایی را که افراد در وضعیت‌های مختلف برای تصمیم گیری، حل مسئله و کشف اطلاعات از آن استفاده می‌کنند، روشن می‌نماید. او بر این اساس سه جهت گیری فرایند نگر یا سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی را معرفی می‌نماید. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی در مورد مشاهدات خود شکاک هستند و تمایل دارند که قضایت در مورد رویدادهای اطرافشان را به تعویق بیندازند؛ تا زمانی که بتوانند اطلاعات را ارزیابی و پردازش کنند. سبک هویت اطلاعاتی به طور مستقیم با انعکاس خود، تمرکز بر مسئله، سبک معرفت شناسی خردگرایانه، نیاز زیاد به شناخت، تصمیم‌گیری براساس نقشه، هوشیاری و پذیرا بودن برای تجربه ارتباط دارد. افراد دارای سبک هویت هنجاری به دلیل تبعیت از انتظارات و دیدگاه‌های افراد مهمن زندگی شان، با تعارضات هویت روبه رو می‌شوند. این افراد بسیار دفاعی هستند، تحمل پایینی نسبت به ابهام و نیاز زیادی برای موافقه شدن با ساختار دارند. افراد دارای سبک هویت اجتنابی مشکلات شخصی شان را به تعویق می‌اندازند و تمایلی برای موافقه شدن با تعارضات و مشکلاتشان ندارند. رفتار و تصمیم‌های آنها تحت تأثیر موقعیت است. این نوع سبک هویت با سطح پایین خودآگاهی، هوشیاری و ماندگاری شناختی و با سطح بالای راهبردهای تصمیم‌گیری و شناختی ناکار آمد، رابطه‌ی مستقیم دارد (بروزونسکی، ۱۹۹۲).

۱. کارشناس ارشد مشاوره، کارشناس مرکز دانشجویی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، کارشناس مرکز دانشجویی دانشگاه تهران

از آنجایی که تمایزیافتگی، نقشی مهم و اساسی در برخورداری از یک زندگی سالم و کاهش اضطراب مزمن ایفا می‌کند، و از طرفی با توجه به اینکه رسیدن به سبک هویتی کارآمد ره آورد گذراندن موفق دوره‌ی جوانی است، پژوهش حاضر به بررسی سوال‌های زیر می‌پردازد: آیا بین تمایزیافتگی و میزان تعهد رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟، آیا بین تمایزیافتگی و سبک هویت اطلاعاتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟، آیا بین تمایزیافتگی و سبک هویت هنجاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟ و آیا بین تمایزیافتگی و سبک هویت اجتنابی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟ در پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی تمایزیافتگی، سطوح بالای تمایزیافتگی، پیش‌بینی کننده‌ی مهارت‌های بهتر حل مسأله، کودک آزاری پایین تر (اسکورون و پلت، ۲۰۰۵)، سطوح بالاتر کنترل موفق و سازگاری زناشویی بالاتر بوده است (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴).

همچنین ارتباط معکوس و معناداری بین سطوح بالاتر تمایزیافتگی و وجود اضطراب مزمن و نشانگان بیماری (نات و اسکورون، ۲۰۰۴) هم آمیختگی بالاتر بین زوجین و ابعاد نامنی بزرگسالان (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳) و اضطراب امتحان بالاتر و عمل کرد شناختی ضعیف تر (پلچ - پوپکو، ۲۰۰۴) مشاهده شده است.

در پژوهش‌های انجام شده در مورد سبک‌های هویت، سبک هویت اطلاعاتی به طور مستقیم با مقابله‌ی کارآمد با استرس و اضطراب، شیوه‌ی مقابله‌ی مسأله‌مدار، باز بودن برای تجربه و به طور معکوس با جهت‌گیری از دیگران، اضطراب، عدم وجود تفکر امیدوارانه و فاصله‌گرفتن عاطفی رابطه دارد. از سوی دیگر، سبک هویت اجتنابی به طور معکوس با کیفیت ارتباطات گروه همسالان، موقیت تحصیلی و اعتماد به نفس و به طور مستقیم با تأثیرات تضعیف کننده‌ی اضطراب، فاصله گرفتن عاطفی، جهت‌گیری از دیگران، سوء مصرف مواد و الکل و واکنش‌های افسردگی ارتباط دارد (نورمی، بروزونسکی، تامی و کینی، ۱۹۹۷). همچنین بروزونسکی و کوک (۲۰۰۵) ارتباط معناداری را بین سبک هویت اطلاعاتی و عمل کرد تحصیلی خوب، مهارت‌های اجتماعی کارآمد و سطوح بالای خودرهبیت علمی یافته‌ند؛ در حالی که افراد دارای سبک هویت اجتنابی در مورد ابعاد گفته شده در بالا به طور نسبی بی بهره بودند. افراد دارای سبک هویت هنجاری نیز دارای جهت‌گیری علمی روشن بودند، اما به طور معناداری از تحمل کمتر و خودرهبیت علمی و عاطفی کمتری نسبت به آزمودنی‌های دارای سبک هویت اطلاعاتی برخوردار بودند. ولیوراس و بوسمای (۲۰۰۵) ارتباط معکوسی بین سبک هویت اجتنابی و سلامت روان‌شناختی گزارش دادند.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران است. گروه نمونه شامل ۴۸۲ نفر (۲۴۲ زن٪ ۵۰/۶٪ و ۲۳۸ مرد٪ ۴۹/۴٪) که گستره‌ی سنی شان بین ۱۸ تا ۲۸ و میانگین ۲۰ (انحراف استاندارد ۱/۱) سال بود؛ این افراد از بین ۱۵ دانشکده‌ی دانشگاه تهران به شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و درآمار استنباطی از رگرسیون دومتغیری استفاده شد.

ابزار پژوهش: ۱- پرسش نامه‌ی تمایزیافتگی: یک پرسش نامه‌ی ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش تمایزیافتگی افراد به کار می‌رود و از ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران تشکیل شده است (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸). این پرسش نامه با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه‌ای درجه بندی شده است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس کلی تمایزیافتگی ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۰ و ۰/۷۴ محاسبه گردیده است. ۲- پرسش نامه‌ی سبک‌های هویت بروزونسکی: یک پرسش نامه‌ی ۴۰ سؤالی است که در یک مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای درجه بندی شده و ۴ خرده مقیاس سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی و میزان تعهدرا می‌سنجد. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۷۵، ۰/۶۰ و ۰/۷۰ محاسبه گردیده است.

یافته ها

چنان که در جدول زیر مشاهده می شود، بین تمایزیافتگی و تعهد، ضریب بتا برابر با $0/266$ و با توجه به سطح معنی داری $0/000$ نشان می دهد که رابطه ای معنی داری بین تمایزیافتگی و تعهد وجود دارد و با توجه به ضریب تبیین تعدیل شده، $6/7$ درصد از تغییرات تعهد را تمایزیافتگی پیش بینی می کند. ضریب بتا بین تمایزیافتگی و سبک هویت اطلاعاتی برابر با $0/064$ است که با توجه به سطح معنی داری $0/297$ رابطه ای معنی داری بین تمایزیافتگی و سبک هویت اطلاعاتی وجود ندارد.

همچنین با توجه به ضریب بتا بین تمایزیافتگی و سبک هویت هنجاری $-0/107$ و سطح معنی داری $0/082$ رابطه ای معنی داری بین تمایزیافتگی و سبک هویت هنجاری وجود ندارد. بین تمایزیافتگی و سبک هویت اجتنابی نیز ضریب بتا برابر با $0/21$ است که با توجه به سطح معنی داری $0/001$ نشان می دهد که رابطه ای معکوس و معنی داری بین تمایزیافتگی و تعهد وجود دارد و با توجه به ضریب تبیین تعدیل شده، 4 درصد از تغییرات تعهد را تمایزیافتگی پیش بینی می کند.

جدول اطلاعات مربوط به آزمون های رگرسیون تک متغیری

آزمون های رگرسیون دومتغیری							متغیر	
P	t	Beta	P	F	متغیر	متغیر	مالک	پیش بین
$0/000$	$4/491$	$0/266$	$0/000$	$20/171$	$0/067$	$0/266$	تعهد	تمایزیافتگی
$0/297$	$1/046$	$0/064$	$0/297$	$1/093$	$0/000$	$0/064$	سبک هویت اطلاعاتی	تمایزیافتگی
$0/082$	$-1/746$	$-0/107$	$0/082$	$3/049$	$0/008$	$0/107$	سبک هویت هنجاری	تمایزیافتگی
$0/001$	$-3/495$	$-0/21$	$0/001$	$12/214$	$0/04$	$0/21$	سبک هویت اجتنابی	تمایزیافتگی

بحث و تفسیر

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بین تمایزیافتگی و تعهد رابطه ای مستقیم و معنی داری وجود دارد. با توجه به نظر بoven افراد تمایزیافته معیار های فردی و ارزش های شخصی تعریف شده ای دارند و از آنجایی که داشتن اصول و معیارهای شخصی با داشتن تعهد به آن معیارها همراه است، می توان این یافته را تبیین کرد. در رابطه با سؤال دوم پژوهش، بین تمایزیافتگی و سبک هویت هنجاری رابطه معنی داری مشاهده نشد. در تبیین این یافته لازم به ذکر است که در تعریف «بoven» از تمایزیافتگی مفهوم بهنجار بودن حذف شده است. کاملاً محتمل است که کسانی که از تمایزیافتگی پایینی برخوردارند، تعادل عاطفی زندگی شان را حفظ کرده و عاری از نشانه های بیماری باشند و لذا به ظاهر، ملاک مشهور «بهنجار» بودن را داشته باشند. اما این افراد، نه تنها نسبت به افرادی که در سطوح بالاتر مقیاس هستند، آسیب پذیری بیشتری در برابر استرس دارند، بلکه همچنین، تحت شرایط استرس زا مستعد بروز نشانه های بیماری هایی هستند که دوره ای بهبودی شان کند تر از کسانی است که در انتهای بالایی مقیاس قرار دارند. در مورد سؤال سوم نیز بین تمایزیافتگی و سبک هویت اطلاعاتی رابطه ای معنی داری مشاهده نشد؛ از آنجایی که تمایزیافتگی در مورد پیچیدگی های شناختی و میزان پردازش ذهنی اطلاعات به صراحت نظری نمی دهد، این یافته را نیز می توان تبیین کرد.

در مورد سؤال آخر پژوهش، نتایج رابطه‌ی معکوس و معنی داری را بین تمایزیافتگی و سبک هویت اجتنابی نشان دادند. این یافته با نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه همسو می‌باشد. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین تمایزیافتگی و مهارت‌های حل مسأله رابطه‌ی مستقیم (اسکورون و پلت، ۲۰۰۵) و بین تمایزیافتگی و اضطراب مزمن (نات و اسکورون، ۲۰۰۴) و عمل کرد شناختی ضعیف تر (پلچ پوپکو، ۲۰۰۴) رابطه‌ی معکوس وجود دارد. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رابطه‌ی مستقیم و معنی داری بین سبک هویت اجتنابی و تأثیرات تضعیف کننده‌ی اضطراب، فاصله گرفتن عاطفی، جهت گیری از دیگران (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷) وجود دارد. همچنین رابطه‌ی معکوس و معنی داری بین سبک هویت اجتنابی و سلامت روان (ولیوراس و بوسم، ۲۰۰۵)، مهارت‌های کارآمد اجتماعی (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵) و اعتماد به نفس وجود دارد. با توجه به اینکه افراد دارای سبک هویت اجتنابی و افراد نامتایز هردو از روش‌های مقابله‌ای هیجان مدار استفاده می‌کنند (واکنش پذیری عاطفی)، جهت گیری شان بیشتر از سوی دیگران است (هم آمیختگی با دیگران)، از مواجهه با مشکلات و مسایل عاطفی حل نشده فرار می‌کنند (گریز عاطفی) و از خودآگاهی ضعیفی برخوردارند (جایگاه من ضعیف). داده‌های این یافته نیز قابل تبیین می‌باشد.

منابع

- Berzonskey, M. D. & Kuk, L .(2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*. 39 (2005) 235-247.
- Berzonskey, M. D. & Sullivan, C .(1992). Social- cognitive aspects of identity style. *Journal of Adolescent Reserch*, 7,140-155.
- Bowen, M .(1978). *Family therapy in clinical practice*. New York:Jason Aroson
- Corey,G. (1996). *Theory and Practice of counseling and sychotherapy*. Brooks,Cole Publishing company.
- Erikson, E. (1968). *Identity:Youth and crisis*. New York: Yorton.
- Knauth. D.G. & Skowron E. A. (2004). Psychometric evaluation of the Differentiation of Self Inventory (DSI) for adolescents. *Nursing Research*. 53(3).163-71.
- Nurmi,J., Berzonskey, M. D., Tammi, K.,& Kinny,A .(1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies, and well- being. *International Jounral of behavioral Developement*, 21,555-570.
- Peleg-Popko, O. (2004). Differentiation and test anxiety in adolescents. *Journal of Adolescence* (27) 645-662.
- Skowron E. A. & Dendy, A. K .(2004). Differentiation of self and attachment in adulthood. *Contemporary family therapy*, 26(3), 337-357.
- Skowron E. A. & Platt, L. F .(2005). Differentiation of self and Child Abuse Potential in Young Adulthood. *The Family Journal*, 13(3), 281-290.
- Skowron, E. A. & Schmitt T. A .(2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and valibity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family therapy*,29(2), 209-22.
- Vleioras,G. & Bosma, H .(2005). Are identity styles important for psychological well-being?. *Journal if Adolescence*. 28,397-409.